

# دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: YQ27115 ISSN-P: 2717-1132

## نگاهی کوتاه به عوامل و پیامدهای طلاق توافقی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

دکتر خلیل الله احمدوند<sup>۱</sup>

استادیار گروه الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

پروین عینی

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

### چکیده

در دین اسلام طلاق منفورترین فعل حلال است. تغییر و تحول در سبک زندگی امروزه پیشرفت و مدرن شدن جامعه، گسترش ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی و ارتباط با گروه‌های متعدد سبک زندگی امروزه، شروع زندگی‌ها و پایان دادن به و آنها را نیز تحت تاثیر قرار داده است. طلاق توافقی یکی از نمونه‌های تقریباً جدید طلاق در جامعه امروزی است که در سال‌های اخیر مطالعات و تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته است که عوامل بسیار زیادی در به وجود آمدن آن موثر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: طلاق توافقی، سبک زندگی امروزه، عوامل موثر بر طلاق

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول ahmadvand@razi.ac.ir

## مقدمه

دین اسلام به خانواده اهمیت بسیار زیادی داده است و خانواده از نظر قرآن محل امنیت و آرامش و سکون است و بر اساس مهر و محبت بنا شده است. در سوره روم آیه ۲۱ می‌فرماید: و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آن آرامش یابید و در میانتان محبت و مودت و رحمت قرار داد و در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. مهر و محبت می‌تواند خانواده‌ها را از خطر فروپاشی حفظ کند اما عوامل زیادی وجود دارد که این نهاد مهم را به خطر می‌اندازد و باعث فروپاشی آن می‌شود. آمار رو به افزایش طلاق در سالهای اخیر بسیار نگران‌کننده است و گرایش به طلاق توافقی با توجه به تغییر سبک زندگی امروزه افزایش یافته است و زوجین به جای اینکه به رفع اختلافات بپردازند و مشکلات را برطرف برطرف کنند و از بسیاری از خواسته‌های منطقی یا غیر منطقی خود بگذرند به توافق و تفاهم می‌رسند که توافقی از همدیگر جدا شوند. در این مقاله سعی بر آن است به علل و عواملی که باعث جدایی است بپردازد و پیامدهای پس از آن را هر چند به طور مختصر بیان کند امید است که بتواند هر چند کوتاه به بیان مسئله بپردازد و مورد توجه قرار گیرد.

### بخش اول: مفاهیم اولیه

#### بند اول: طلاق در لغت

طلاق به معنای آزاد کردن از قید و بند است و به صورت استعاره در رها کردن زن از قید و بند ازدواج استعمال شده است (قرشی بنایی ۱۳۷۱: ۲۳۱) طلاق رهایی و خالی شدن از پیوند و عهد و پیمان است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۵۱). در زبان عرب طلاق را به باب تفعیل می‌برند و معنای رهایی و طلاق دادن را می‌دهد (ابن منظور ۱۴۱۴: ۱۸۷). طلاق به معنای ته تطلیق است؛ مثل سلام به معنای تسلیم و کلام به معنای تکلیم (طبرسی ۱۴۱۲: ۱۲۵). برای واژه طلاق معانی متعددی از جمله رهایی، آزاد کردن، ترک کردن و واگذاشتن ذکر شده است (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۳۸۰).

#### بند دوم: طلاق در اصطلاح

طلاق به معنای پایان دادن به پیوند ازدواج است و مانند ازدواج با خواندن صیغه انجام می‌شود اما برخلاف ازدواج جزء ایقاعات است؛ یعنی یک طرفه است و تنها از سوی مرد

انجام می‌شود (مشکینی ۱۴۳۱: ۹۷). واژه ی طلاق در اصطلاح شرعی عبارت است از ازاله ی قید نکاح بدون عوض با صیغه طلاق و شبه آن (نجفی جواهری، ۱۹۸۱: ۲). عاملی نیز طلاق را به زائل کردن قید و پیوند نکاح با صیغه مخصوص تعریف کرده است (عاملی ۱۴۱۰: ۱۱). ذکر قید صیغه مخصوص در این تعریف به این دلیل است که تعریف فسخ نکاح از تعریف طلاق خارج شود زیرا در مواردی که عقد نکاح به علت تدلیس و یا عیب فسخ می‌شود، دیگر نیازی به صیغه مخصوص نیست. گاهی در تعریف طلاق، قید به غیر عوض را نیز اضافه کرده اند تا طلاق خلع و مبارات را از طلاق مطلق متمایز و جدا کنند. بنابراین طلاق یعنی انحلال عقد نکاح دائمی با صیغه مخصوص و رعایت تشریفات ویژه (محقق داماد ۱۳۸۴: ۳۸۰). مطابق قانون مرد هر زمان که بخواهد می‌تواند زن خود را طلاق دهد، این حق از حق ریاست زوج و پیمان زناشویی و زندگی مشترک ناشی و از حقوق انحصاری مرد محسوب می‌شود که در زمره قواعد آمره و الزامی است و در حدیث نبوی «الطلاقُ بید من اخذ بالسَّاق» (نوری ۱۳۲۱: ج ۳، ص ۸؛ عاملی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۲۴۰) بر آن تصریح شده است (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۲). برخی از حقوقدانان معتقدند: «طلاق ایقاعی تشریفاتی است که به موجب آن مرد، به اذن یا حکم دادگاه زنی را که به طور دائم باید قید زوجیت اوست رها می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۷۳). از این تعریف خصوصیتی استنباط می‌شود که به نوعی وجود هر کدام شرط لازم برای تحقق طلاق است.

الف - ایقاع بودن طلاق و اینکه تنها با قصد و اراده یک نفر که در اینجا مرد یا نماینده قانونی اوست، تحقق می‌یابد؛

ب - طلاق تشریفات دارد و باید با صیغه طلاق در حضور حداقل دو نفر مرد عادل جاری شود؛

ج - اراده شوهر واقعی کننده طلاق است و در مواردی مانند طلاق همسر غائب دادگاه به نمایندگی از طرف زوج طلاق را جاری می‌کند؛

د - طلاق با حکم دادگاه واقع می‌شود، این اذن دادگاه با عنوان گواهی عدم امکان سازش در قانون ذکر شده است؛

ه - فقط انحلال نکاح دائم نیاز به جاری شدن صیغه طلاق دارد زیرا انحلال نکاح منقطع با بذل مدت از طرف شوهر یا با اتمام مدت انجام می‌شود (کاتوزیان ۱۳۹۴: ۲۷۵-۲۷۳)

از نظر ماهیت حقوقی در فقه اسلامی و قانون مدنی طلاق یک ایقاع است که از سوی مرد یا نماینده او واقع می‌شود. حتی در مواردی که طلاق بر اساس توافق زوجین و به صورت خلع یا مبارات انجام می‌شود یک عمل حقوقی یک جانبه (ایقاع) است، زیرا توافق زوجین که شرط یا انگیزه طلاق است غیر از خود آن است و طلاق یعنی آخرین عملی که با اجرای صیغه محقق می‌شود و نکاح را منحل می‌کند در هر حال یک عمل حقوقی یک جانبه است و ناشی از اراده طرفین نیست (صفایی و امامی ۱۳۸۶: ۲۵۶). مطابق حدیث نبوی و «الطلاق بید من اخذ بالساق» (نوری ۱۴۰۸: ۳۰۶). طلاق ایقاعی است که به طور یک طرفه از جانب زوج انجام می‌شود حتی در مواردی که مطابق ماده ۱۱۳۰ ق.م. حق طلاق به علت عسر و حرج به زوجه داده شده است، حاکم ولی ممتنع از طرف زوج است و طلاق را واقع می‌کند. همچنین در مواردی که مجوز طلاق پیرو یک یا چند شرط از شروط ضمن عقد نکاح داده شود در واقع زوج حق انحصاری خود را برای طلاق در هنگام انعقاد نکاح با احراز شرایط ای به زوجه واگذار کرده و زوجه به وکالت از زوج این حق را اجرا می‌کند (اسدی ۱۳۸۳: ۱۱۵). در ایقاعات اصل بر وظایف ایقاع کننده است و اثر اراده وی در مرتبه اول اهمیت دارد بنابراین اجرای طلاق توافقی بدون حضور زوج ظاهراً با اصل فوق معارض است. در طلاق توافقی زوجین در انحلال عقد نکاح با شرایط پذیرفته شده با یکدیگر توافق می‌کنند و اجرای صیغه طلاق از سوی زوج و یا وکیل وی انجام می‌شود و توافق زوجین مقدمه‌ای برای رسیدن به آن است. از آنجا که معمولاً در طلاق توافقی زوجه ایفای کامل حقوق خود از جمله نفقه ی دوران عده را مطالبه می‌کند، قطعیت اثر صیغه طلاق را می‌توان محدود به انقضای مدت عده فرض کرد تا بدین ترتیب زوج بتواند از تصمیم خود رجوع کند. به نظر می‌رسد پذیرش این فرد برای جلوگیری از انحلال و کامل خانواده مناسب تر است و از منظر مقصد شناسی شارع نیز منوط دانستن قطعیت اثر صیغه طلاق سپری شدن مدت عده به اصول و مبانی استحکام و خانواده نزدیک تر است.

### بخش دوم: طلاق توافقی

در طلاق توافقی زوج و زوجه پس از اینکه قادر به ادامه زندگی مشترک نباشند با تنظیم دادخواستی مشترک با امضای طرفین و با قید کلمه طلاق توافقی در ستون تعیین خواسته از دادگاه محترم تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش به صورت توافقی می‌کنند. قاعده

بر این است که اسامی زوجین با هم در ستون خواهان و توافقات به عمل آمده در مورد مهریه، نفقه و حضانت فرزند مشترک در صورت وجود آن و حقوق دیگر زوجه در متن دادخواست ذکر می‌شود. با توجه به توافق زوجین در طلاق توافقی صدور حکم زمان زیادی طول نخواهد کشید و دادگاه ضمن جلب نظر داور به منظور اصلاح ذات البین و موفق نبودن ایشان در این خصوص حکم را صادر کند. در واقع ارکان اصلی طلاق توافقی که عبارت است از توافق مقدماتی، گواهی عدم امکان سازش و اجرای صیغه طلاق. قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ اجرای گواهی عدم امکان سازش که بر اساس توافق زوجین صادر شده است را به رضایت زوج به اجرای آن منوط کرده است (اسدی و شکری، ۱۳۹۴: ۴۷۱). به این معنا که با وجود توافق در صدور حکم طلاق، باز هم این زوج است که بایستی به امر طلاق مبادرت کند و این به علت ایقاعی بودن اثر طلاق است. قانون مدنی به تبعیت از احکام فقهی از طلاق توافقی نام نبرده است، بلکه اعطای اختیار طلاق زن از جانب مرد و نیز اجازه گرفتن طلاق (قضایی) در موارد خاص برای زن درج شده است؛ از جمله ترک نفقه، سوء معاشرت، امراض مسریه و... که همگی را می‌توان جزء عسر و حرج قرار داد (صفایی و امامی، ۱۳۸۶: ۱۷۷). طلاق توافقی بخصوص در مواردی که زوجین فرزند مشترک دارند توصیه می‌شود این نوع طلاق می‌تواند به وضعیت مطلوب تر فرزندان کمک کند زیرا در سایر طلاق‌ها کشمکش و جدال والدین بر سر احقاق حقوق مالی و غیرمالی آن دو در جریان فرآیندهای قانونی، کودکان طلاق را به تعارض‌های شدید مبتلا می‌کند. روند رشد فزاینده طلاق در سال‌های اخیر و نگرانی جامعه شناسان و روانشناسان و مسئولین کشور از انحلال روز افزون خانواده‌ها باعث شد که پژوهشگران درباره علل و عوامل ایجاد طلاق، تحلیل قوانین و مقررات موجود و میزان بازدارندگی از طلاق و زمینه سازی و تسهیل وقوع آن، بیش از پیش تحقیق و بررسی کنند. پژوهش‌ها حاکی از نسبت بالای تعداد طلاق توافقی در مقایسه با طلاق غیر توافقی است به طوری که حدود دو سوم از تقاضاهای طلاق از نوع توافقی است. مطالعات نوعی تغییر نگرش در میان افراد متقاضی طلاق توافقی را نشان می‌دهد به طوری که افراد دیگر طلاق را امری مذموم نمی‌دانند همچنین مطالعات نشان می‌دهند که علاوه بر انجام سریع تر و آسان تر طلاق توافقی، متقاضیان این نوع طلاق حمایت اجتماعی بیشتری می‌شوند (ساروخانی ۱۳۹۱: ۳). در سال ۱۳۸۵، معاون وقت قوه قضاییه اعلام کرد که ۸۲ درصد طلاق‌ها را طلاق‌های توافقی تشکیل می‌دهند. این روند

طی این سال‌ها در استان‌ها و شهرهای مختلف با نسبت‌های مختلف مشاهده شده است. به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۳، تعداد ۱۶۴۱۶۲ مورد طلاق توافقی در کشور ثبت شده است. در سال ۱۳۹۴ این آمار ۷۴۱۱۶۳ مورد بوده که کاهش ۳ درصدی داشت. در ده ماهه نخست سال ۱۳۹۳ تعداد ۳۵۳۱۳۸ واقعه طلاق در کشور ثبت شده که از این تعداد ۵۳۳۱۰۵ مورد طلاق توافقی بوده است. آمار طلاق توافقی در تهران بیشتر از سایر استان‌ها برآورد شده است؛ به گونه‌ای که بر اساس آمار رسمی سازمان ثبت احوال استان تهران سالانه بیش از ۳۰ هزار نفر در تهران از یکدیگر جدا می‌شوند که حدود ۲۷ هزار مورد از این طلاق‌ها یا به عبارت دیگر بیش از ۹۰ درصد از آنها، طلاق توافقی است (مهرخانه ۹۶/۴/۱۱). رشد روز افزون آمار طلاق‌های توافقی باعث نگرانی‌هایی شد. بویژه اینکه بررسی‌ها نشان می‌داد درصد چشمگیری از این طلاق‌ها به دلیل مشکلات اساسی نبوده و بیشتر ناشی از فقدان مهارت‌های لازم برای زندگی زناشویی و رفع تنش‌های معمول‌اند.

از دیدگاه مسئولان دادگاه‌های قضایی خانواده، علل و عوامل طلاق به چهار بعد:

اجتماعی: (اعتیاد، ازدواج تحمیلی، سنت‌های غلط، مداخله اطرافیان، سابقه دوستی قبل از ازدواج، خشونت‌های خانوادگی و...)

اقتصادی: فقر، بیکاری مرد، استقلال خواهی مالی از طرف زنان و...)

فرهنگی: (اختلافات مذهبی و فرهنگی، خیانت آشکار و پنهان زوجین، تعصبات فرهنگی و...)

فردی شخصیتی: (مصرف مواد، قماربازی، اختلافات سنی، نازایی، بی‌اعتنایی همسر، بیماری و اختلالات روانی و...) تقسیم می‌شوند که بیشترین علل آن به عوامل فردی شخصیتی برمی‌گردد (کاملی، ۱۳۸۶: ۱۸۸ و ۱۸۹). (خیاط غیاثی و همکاران ۱۳۸۹: ۷۷) نشان دادند که اختلاف تحصیلی و سنی زوجین تحصیلات زن و سن ازدواج با گرایش زنان به طلاق رابطه معنادار و مستقیم دارند و متغیرهای مدت زندگی مشترک و تعداد فرزندان با گرایش به طلاق زنان رابطه معنادار و معکوس دارند.

از دیدگاه گانمن (۱۹۹۳؛ نقل از یوسفی و سهرابی، ۱۳۹۰: ۱۹۳) طلاق فرآیندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقشه‌ها و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد و در برخی دیگر از تعاریف، طلاق به گونه‌ای گسیختگی خانواده به انحلال قانونی، شرعی و عرفی ازدواج تحت

شرایط مقرراتی گفته می‌شود (تقوی، ۱۳۷۸: ۱۶۹) علل و عوامل طلاق در کشورهای اروپایی و آمریکایی، ضعف در برقراری ارتباطات، مشکلات مالی، نداشتن احساس مسئولیت، بی وفایی و خیانت برآورده شدن انتظارات، اعتیاد، سوء استفاده جنسی و فیزیکی یا روحی و نداشتن توانایی حل مشکل ذکر شده است. (قطبی و همکاران، ۱۳۸۳؛ نقل از مشکی و همکاران ۱۳۹۰: ۳۷). در جامعه ما نیز بر اساس پژوهش‌های انجام شده توقعات بی‌جا، تجمل گرایی، هوس بازی برخی همسران، درک نکردن یکدیگر و دخالت های بی مورد اطرافیان، بعضی از دلایل موثر بر طلاق بیان شده است (حسینی، ۱۳۸۶؛ نقل از مشکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸۹). مهمترین مشکل زوجین مراجعه کننده جهت درمان، فقدان احساس عشق، مشاجره بر سر قدرت و مشکلات ارتباطی و انتظارات غیر منطقی بوده است (۱۳۶۱: Whisman, Dixon & Johnson ۱۹۹۷). زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶: ۷۳۷) نشان دادند که بیشترین علل تقاضای طلاق به ترتیب مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده‌ها و بیماری روانی یکی از زوجین عنوان شده است (رحیمی ۱۳۷۹: ۳۵) نشان داد که علل و عوامل طلاق عبارتند از: نداشتن تفاهم اخلاقی، تمکین نکردن، بیکاری، مشکلات مالی و اقتصادی، اعتیاد، دخالت دیگران، اختلاف سطح سواد و اختلاف سنی. همچنین سیف‌اللهی ننه کران (۱۳۷۲: ۱۴۱) نشان داد که علت های طلاق به ترتیب نداشتن توافق اخلاقی، اختلاف خانوادگی، اختلاف داخلی، نداشتن سازگاری، اعتیاد، عدم تمکین، عقیم بودن، نداشتن بچه و ندادن خرجی می‌باشند. دانش و همکاران (۱۳۷۰: ۳۴) نیز نشان دادند علل و عوامل طلاق عبارتند از:

الف- عامل اقتصادی: (فقر، کمی درآمد، نداشتن مسکن و بیکاری)

ب- عوامل غیر اقتصادی: (اختلاف فرهنگی، چند همسری، بیسوادی و اختلاف طبقاتی)

فارول (۲۰۰۶: ۲۳۹, Farrell) نشان داد که یکی از عوامل مهم مرتبط با طلاق وجود برادران و خواهران طلاق گرفته در خانواده می باشد که این امر بر میزان و افزایش طلاق افراد فامیل کمک می‌کند. برخی از علل طلاق عبارتند از نداشتن توافق اخلاقی، تنفر و کراهت زوجه، تنفر و کراهت زوج، اختلافات خانوادگی، عقیم بودن و نازایی زن، ندادن نفقه، اختلاف سن، زندانی بودن زوج، بد رفتاری زوج، بیماری‌های زوج، داشتن زن های دیگر، اعتیاد، انحراف زوجه، تمکین نکردن، فساد اخلاقی زوج، بیکاری، آزار بدون علت (ساروخانی ۱۳۷۲: ۴۷). بر اساس تحقیقات جدید، فاتحی دهاقانی و نظری (۱۳۹۰: ۱۳) نشان دادند که

میزان دخالت بیجای اطرافیان در زندگی زوجین، میزان تفاوت منزلت بین زوجین، رضایت زندگی زناشویی و تصور مثبت از پیامدهای طلاق به شکل مستقیم بر میزان گرایش به طلاق تاثیر داشته اند که از این میان متغیرهای میزان دخالت بیجای اطرافیان در زندگی زوجین و میزان تفاوت منزلتی زوجین بیشترین تاثیر بر میزان گرایش به طلاق را داشته اند. امروزه شناخت عوامل موثر و متأثر از طلاق از اولویتهای بهداشت روانی به شمار می‌آید. بهداشت روانی نسلهای جامعه در گرو تامین بهداشت روانی خانواده به عنوان یک کانون مملو از محبت و آرامش برای تحول در رشد استعداد هاست. می‌توان گفت که داشتن آشنایی قبل از ازدواج به آشنایی هرچه بهتر از زوجین کمک می‌کند اختلافات زناشویی آنان را کاهش می‌دهد. یافته‌ها نشان داد که بیشترین عوامل طلاق زوجین متقاضی طلاق به ترتیب مربوط به دخالت اطرافیان ضرب و شتم و سوء ظن و بدبینی، اعتیاد، بی‌توجهی، تنفر و نداشتن علاقه و خیانت بوده است. این نتیجه با یافته‌های کاملی (۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۸۸) همخوان است که نشان داد بی‌اعتنایی به همسر، مداخله اطرافیان، خشونت‌های خانوادگی و خیانت آشکار و اعتیاد، از جمله عوامل مرتبط با طلاق هستند. همچنین با نتایج حسینی (۱۳۸۶؛ نقل از مشکی و همکاران، ۱۳۹۰) و زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶) مبنی بر اثر دخالت‌های بی‌مورد اطرافیان بر میزان طلاق، ویسمن و همکاران (۱۳۶۱: ۱۹۹۷ Whisman, Dixon & Johnson) مبنی بر نقش مشاجرات خانوادگی در طلاق و رحیمی (۱۳۷۹) مبنی بر نقش اعتیاد و دخالت دیگران در میزان طلاق همخوان است.

### بخش سوم: عوامل موثر بر افزایش رشد فردیت زنان

داشتن وضعیت مالی نسبتاً خوب و یا اینکه از تلاش اقتصادی ایجاد شده در درجه اول به استقلال خود فکر می‌کنند، مثلاً گرفتن مهریه فرصتی برای استقلال این زنان است. تغییر الگوی مرجع، قبل از تحصیلات و پایگاه شغلی، پدر و برادر و ریش‌سفیدان خانواده مرجع بودند ولی بعد از آن دوستان دانشگاهی و مشاوران اجتماعی و متخصصان علمی مثل روانشناسان می‌باشد.

رسانه‌ها مثل ماهواره، اینترنت و تلویزیون الگوی شخصیتی قوی از زنان را ارائه می‌دهد که حتی در بعضی از آنها نقش زنان را قوی‌تر از مردان به نمایش می‌گذارد.



رابطه اجتماعی که از این طریق از تجربیات و چالش‌های زندگی زناشویی دیگران و مقاومت‌های دیگران آگاه شده و حقوق خود را در زناشویی بیشتر می‌فهمند.

تنوع شغلی: امروزه تنوع شغلی در فضاهای شغلی بیشتری برای زنان ایجاد شده است و زنان راحت‌تر از گذشته در محیط اجتماعی و کاری پذیرفته می‌شوند (وکالت، آرایشگری، پزشکی، آبدارچی و کارگری و...)

دفاع و حمایت‌های جهانی از زنان در کشورهای غیر مقیم: امروزه زنان برای به دست آوردن حقوق خود از سازمان‌های جهانی دیگر کشورها کمک خواسته و آن‌ها را وادار به دخالت در امور شان می‌کنند.

پافشاری زنان برای حفظ حریم و احترام فردی خود، که ازدواج مجدد مردان نقش تسریع کننده در این امر دارد.

تغییر مفهوم گذشت و فداکاری: زنان مفهوم و گذشت و فداکاری را که با توجه به نگاه سنتی مطالبه می‌شود قبول نداشته و در واقع این مفاهیم را در زمانی که با هم تفاهم و احترام همراه باشد می‌پذیرند.

ازدواج دیگر به معنای قدیمی نیست زنان امروز رشد کرده و از اینکه در مقابل مردان قرار بگیرند هیچ ترسی ندارند. زنان شغل دارند و تحصیل کرده‌اند به میان کشیدن مهریه بهانه‌ای برای گرفتن حقوق شان است. آنان دیگر حاضر به پذیرش هرگونه رفتاری از سوی مقابل را نداشته و جدا می‌شوند.

بنابراین مجدداً بر میگردیم به گیدنز که می‌گوید: این افراد استقلال و برابری را خواهند و برای به دست آوردن آن نقش‌های سنتی خود را (بچه داری و شوهرداری) تغییر داده‌اند.

زنان امروز قسمت طولانی از زندگی خود را صرف تحصیل و کار می‌کنند و سهم زیادی از مسئولیت‌های زندگی زناشویی و اجتماعی را بر عهده می‌گیرند همچنین هیچ واژه‌ای از ورود به مشاغل پراسترس و زمان‌بر ندارند. این نکته نشان می‌دهد زنان برخلاف گذشته که نقش نان آوری را برای مردان و وظایف بچه داری و شوهرداری را برای زنان تعریف می‌کردند، قبول ندارد.

**بخش چهارم: نقش افزایش آگاهی زنان بر زندگی زناشویی**

زنان از طریق تحصیلات رسانه‌ها و روابط اجتماعی گسترده نسبت به مسائل مختلفی که در زندگی خویش دارند نسبت به گذشته از آگاهی بیشتری برخوردارند. این آگاهی آنان را در برخورد با مسائل توان‌تر کرده و به آنان اعتماد به نفس بیشتری بخشیده است. برای نمونه می‌توان به افزایش دانش آنان در امور خانگی، انجام مشاغل مختلف و دخالت در حل مسائل اجتماعی اشاره کرد. توانایی آنان در استفاده از تکنولوژی مانند استفاده از ماشین لباسشویی و جاروبرقی و... کارها را برایشان بسیار آسان تر کرده و علاوه بر آن از فراغت بیشتری نیز برخوردارند. موضوع دیگر مورد اشاره انجام مشاغل مختلف از سوی زنان است که امروزه به دلایل افزایش دانش زنان به آسانی می‌توان آن را در مشاغل مختلف حتی از مردان نیز موفق تر مشاهده کرد. علاوه بر این موارد زنان امروزه با همین دانش و اعتماد به نفسی که دارند در خود توانایی تغییر شرایط اجتماعی را نیز احساس می‌کنند ضمن اینکه تجربه‌های اجتماعی این گروه به صورت روزافزونی در حال افزایش است و حضور زنان در خیابان‌ها، مراکز فرهنگی و علمی، حضور گسترده در انتخابات و حتی اعتراض‌های مدنی و سیاسی را نیز می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. (۲)

### بخش پنجم: پیامدهای بعد از طلاق

عدم اطلاع از پیامدهای طلاق و تصمیم‌گیری‌های افراد در اقدام به طلاق توافقی اثرگذار بود. زن ۲۹ ساله بیان نمود: «اگر برگردم به اون دوران نه به این زودی حرف طلاق را نمی‌آوردم وسط. درسته آزارم میداد اما آقا باور کنید زنی که طلاق می‌گیره، تنها میشه، حتی کسانی که فکرشو هم نمی‌کنی تنهات می‌زارن...». زن ۳۲ ساله اظهار داشت: «نگاه جامعه مریضه، خیلی مریض، حتی همین که پاتو از پله‌های دادگاه میزاری پایین همه مریض نگاهت می‌کنند». اگر چه در ظاهر به نظر می‌رسید پیام‌های منفی طلاق بیشتر متوجه زنان بود و زندگی آنان را بیشتر از مردان تحت تاثیر خود قرار می‌داد اما به اعتقاد پژوهشگران فرمول‌بندی هرگونه پیامدهای طلاق برای زنان چیزی از واقعیت مسئله را بازگو نمی‌کرد و ما را در وضعیت امتناع از موضوع قرار می‌داد. بررسی تجارب مردان در این زمینه نیز جالب توجه بود. مرد ۴۰ ساله عنوان کرد: «نه، به خاطر بچم که شده، سریع این کار رو نمی‌کردم. الان که بزرگ تر شده توی نگاهش می‌بینم وقتی به بچه‌های عمه و عمه‌هاش نگاه می‌کنه یه غم و حسرت تو نگاهشه...».

مقوله فرعی ۲-۲ هویت یابی: در نتیجه تضعیف و دگرگونی ساختارهای بنیادی جامعه سنتی و بی‌ثبات شدن تمامی شالوده‌های ساختاری هویت فردی و اجتماعی، زنان کلیشه‌های قالبی مرتبط با زندگی فردی را به چالش کشیدند و به تعریفی جدید از خود دست یافتند. زن ۳۴ ساله بیان نمود: «مردای این دوره زمنه باید قبول کنند که دوره آلدروم/بلدروم کردن تمام شده. ما زنها هم مثل قدیما نیستیم. ما هم از همه چی مطلعیم. نمیشه که هرچی باشه حرف اون‌ها باشه». پژوهشگران به دنبال یافتن دلیل این موضوع، به پیامدهای ورود عوامل نوسازی، ایجاد آگاهی و تغییر نگرش‌های ناشی از آن در میان زنان رسیدند. در نتیجه زنان با اتکا به مراجع هویت‌ساز گوناگون از هویت اجتماعی سنتی گذر کردند که گاه این عکس‌العمل‌ها منجر به کشمکش‌های زناشویی می‌شد.

مرد ۳۳ ساله اظهارداشت: «میدونی مقصر خودم بودم از وقتی اجازه دادم درس بخونه، وضع زندگیمون شد این. ادعاهای عجیب و غریب کم نمی‌گفت. از این تحقیق ندارم بدون اجازه چنین کاری بکنم... تا اینکه به خاطر کارهایش جلوش وایسام و درخواست طلاق کرد». این موضوع تا حدود زیادی مربوط به ظهور نهادها و باورهای جدید می‌شد. نهادهای جدید حامل ارزش‌های جدید به جامعه بودند و زنان بیشتر دچار پیامدهای آن می‌گردیدند. آشنایی آنان با افکار، اندیشه‌ها و توقعات جدید، گاهی برای مردانی غیر قابل پذیرش بود که اعتماد به این نوع محیط‌ها نداشتند. نداشتن آگاهی از پیامدهای طلاق باعث گردید که فرد با گسستن پیوند زناشویی و قطع این رابطه تصور نماید که می‌تواند از منفعت بیشتری بعد طلاق در مقایسه با زندگی مشترک برخوردار شود. نقطه مقابل چنین عدم آگاهی پیامدی، ظهور فرآیندهای متجددانه از آگاهی‌هایی بود که علاقه‌مندی به دست‌یابی به هویت و حقوق فردی و اجتماعی را نشان می‌داد. بر اساس اطلاعات مطالعه حاضر، افراد و به خصوص زنان با آشنایی از منابع هویت‌ساز جدید به برداشتی از نوع کیستی و چیستی خود رسیدند. این امر باعث می‌شد تا زنان کم و بیش مسئله هویت شخصی خود را در اولویت قرار دهند. همین آگاهی بدون داشتن مساله فرهنگی لازم از طرف مردان و احساس پایمال شدن حقوق از سوی زنان آنها را به سمت تقاضای طلاق توافقی سوق می‌داد. بنابراین در یک دسته بندی کلی می‌توان این عوامل را به مولفه‌های جمعی و فردی تقسیم نمود. اگر کنشگران اجتماعی از نظر آگاهی از پیامدهای طلاق در وضعیت مطلوبی قرار نداشته باشند و اگر ارزش‌های غالب اجتماعی در بحث جامعه‌پذیری دچار ضعف شود،

تعاملات زناشویی و شبکه‌های اجتماعی در مسیر مطلوب قرار نمی‌گیرد و به طور طبیعی خانواده به عنوان نهاد اجتماعی از این فرایند متاثر می‌گردد. در چنین وضعیت اجتماعی بنیاد خانواده بسیار متزلزل می‌شود و در نتیجه پیامدهای آن به شخص خاصی محدود نمی‌گردد و مرد زن و فرزندان از اثرات آن در امان نمی‌مانند.

این امر باعث وقوع اختلالات رفتاری، اضطراب، ترس، افسردگی، احساس تنهایی و به دنبال آن کجروی‌های اجتماعی، مشکلات اقتصادی و حقوقی به ویژه در فرزندان و زنان به دلیل نداشتن امنیت و آرامش روحی می‌گردد. ناگفته نماند که پیش‌بینی طلاق توافقی در ایران به معنای تسهیل امر طلاق نبود، بلکه با توجه به طولانی بودن مراحل طلاق در دادگاه‌ها و تنش‌ها و اختلافاتی که در این دوره به وجود می‌آمد و سبب آسیب‌های جدی روحی و روانی به خانواده‌ها و فرزندان آنها می‌شد قانونگذار این امکان را به وجود آورد تا در شرایطی که ادامه زندگی مشترک امکان نداشته باشد و به مصلحت هیچ یک از طرفین نباشد برای جلوگیری از آسیب‌ها زوجین بتوانند از این امکان استفاده کنند. طلاق اگرچه ایقاعی در اختیار مرد است و موضوع می‌تواند برای اجرای طلاق زوجه به مصالحه برخیزد و زوجه با بذل قسمتی از حقوق مالی خود مهریه، جهیزیه، نفقه یا مال دیگری، وی را به اجرای صیغه طلاق راضی کند. در این نوع طلاق طرفین توافق خود را بر شرایط مالی مهریه، جهیزیه، نفقه، ایام عده و نفقه معوقه) و غیرمالی (حضانت فرزندان یا ملاقات آنها) طلاق به محضر دادگاه تقدیم می‌کنند تا دادگاه گواهی عدم امکان سازش را صادر کند. اجرای این نوع طلاق با مشکلات فراوانی مواجه است زیرا از یک سو، حق طلاق با مرد است و از سوی دیگر، دلیلی به عنوان استثنای بر این اصل که از باب ولایت حاکم بر زوج ممتنع وجود ندارد تا قاضی را به اجرای صیغه طلاق از ناحیه زوج مجاز کند (اسدی، ۱۳۸۳: ۱۲۱). در جلسه رسیدگی دادگاه، اگر زوجین به اتفاق درخواست طلاق خلع را مطرح کنند و زوج حاضر باشد برای اجرای صیغه طلاق به زوجه وکالت بلاعزل بدهد دادگاه نیز در متن حکم گواهی عدم امکان سازش ضمن عقد خارج لازم از سوی زوج، به زوجه وکالت بلا عوض می‌دهد که برای اجرای صیغه طلاق به یکی از دفاتر طلاق مراجعه و خود را به طلاق خلعی مطلقه کند. در حال حاضر، رویه دادگاه‌ها نیز در صدور گواهی عدم امکان سازش، که بنا به خواسته زوجین صورت می‌گیرد به همین منوال است و حکمی که به این سبک صادر می‌شود به لحاظ اینکه زوج دیگر نمی‌تواند از آن عدول کند و پشیمان شود به نفع زوجه

خواهد بود. بنابراین در این حالت زوجه باید از طریق توافقی که باز زوجه کرده است، مبلغی ولو اندک به او بدهد.

ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده جدید، به نوعی متقاضیان طلاق توافقی را از ارجاع به داوری معاف کرده و همین امر باعث تسهیل در روند قضایی این نوع طلاق شده است. آمارها نشان می‌دهد قوانین موجود در طلاق توافقی به نوعی هدایت‌کننده زوجین به درخواست چنین نوعی از طلاق است. شاید به ذهن یک محقق علوم اجتماعی این گونه‌طور کند که قانونگذار در پی کاستن از فرآیندهای پر پیچ و خم قضایی پیش روی زوجینی است که در زندگی خود به بن بست رسیده‌اند، به خصوص در مواقعی که کراهت در یکی از طرفین و یا در حالت وخیم تر دو طرفه باشد، اما متاسفانه بسیاری از زوجینی که به دلایل سطحی و یا مشکلات و مسائل حل‌شدنی تصمیم به جدایی می‌گیرند به خاطر فرار از سختی‌ها و مشکلات فرایندهای قضایی طلاق توافقی را انتخاب می‌کنند در حالی که این طلاق در مواردی که کراهتی از طرف زوجه وجود ندارد، باعث پایمال شدن حق او در دریافت حقوق خود از جمله مهریه، اجرت‌المثل، و... می‌شود؛ چراکه ناچار است برای حصول توافق از آنها چشم‌پوشی کند. باید منصف بود که تلاش قانونگذار در محدود کردن موجبات طلاق زمانی موثر است که یکی از دو همسر خواهان حفظ پیوند زناشویی باشد و در دادرسی نسبت به پذیرش درخواست طرف خود مقاومت کند. ولی جایی که محبت وجود ندارد و زوجین به این نتیجه رسیده‌اند که نباید زندگی مشترک را ادامه دهند، منع قانون‌گذار سدی در راه اجرای خواسته آنها ایجاد نمی‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۳۷۱). با این حال ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در مورد طلاق توافقی مقرر می‌دارد، متقاضیان چنین تلاقی بایستی به وسیله دادگاه به مرکز مشاوره خانواده ارجاع شوند. حتی طرفین طلاق می‌توانند از ابتدا تقاضای خود را در این مراکز مطرح کرده و در صورت منصرف نشدن از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را با مشخص کردن مورد توافق برای اتخاذ تصمیم نهایی به دادگاه منعکس کند. بدین ترتیب زوجین حقوق یکدیگر را در محدوده یک قرارداد، معاوضه یا مبادله می‌کنند. اثر این قرارداد تحقق عمل حقوقی یک طرفه به نام طلاق از جانب مرد است و البته سقوط حق رجوع وی به زن در ایام عده است (محبی، ۱۳۹۱: ۵۹). طلاق یکی از پدیده‌های مهم حیات انسانی است و اضلاعی به تعداد همه جوانب و اضلاع جامعه انسانی دارد: نخست پدیده‌ای روانی است، زیرا نه فقط در تعادل

روانی زوجین بلکه فرد از فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنان نیز اثرگذار است دوم آنکه پدیده‌ای است اقتصادی، زیرا به گسست خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی می‌انجامد و با اختلال در تعادل روانی افراد زمینه آسیب جدی در حیات اقتصادی آنان را فراهم می‌کند. سوم آن که طلاق پدیده‌ای است که موثر در همه جوانب جمعیت در یک جامعه، زیرا از یک سو با فروپاشی یک خانواده یعنی تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل در کمیت جمعیت اثر می‌گذارد و از سوی دیگر موجب می‌شود فرزندان محروم از نعمت‌های خانواده تحویل جامعه شود که به احتمال زیاد فاقد شرایط لازم احراز مقام شهروندی یک جامعه اند و به این ترتیب بر کیفیت جمعیت اثر دارد. چهارم اینکه طلاق پدیده‌ای فرهنگی است. طلاق از دیدگاهی پدیده‌ای ارتباطی است. بدین سان در جامعه‌ای که فاقد ارتباطات سالم درست و طبیعی است رابطه زناشویی نیز استثنا نیست. ازدواج به زودی برقرار و به زودی قطع می‌شود. پس توجه به طلاق نه تنها از دیدگاه خود به عنوان انسان و فرزندان مهم است بلکه از دیدگاه جامعه، فرهنگ، اقتصاد و حتی جمعیت نیز اهمیت دارد. (۵)

به اعتقاد جامعه‌شناسان تبدیل طلاق مسئله اجتماعی مستلزم تبدیل شدن از یک گرفتاری خصوصی و شخصی به یک مسئله عام ساخت اجتماعی است و زمانی به منزله مسئله اجتماعی مطرح می‌شود که از حد معینی خارج و فراوانی آن غیر متعارف شود. بدین لحاظ امروزه طلاق دیگر یک مشکل فردی نیست بلکه فرآیندی چند مرحله‌ای است که نه تنها بر نحوه ارتباط افراد تاثیرگذار است بلکه لطمات شدیدی نیز بر جامعه وارد می‌کند، لطماتی که در نهایت کل پیکر جامعه را دستخوش تشنج و مشکلات جدی، عمیق و جبران ناپذیر می‌کند. زمانی که جامعه در معرض آسیب‌های بنیادی است و روابط اجتماعی بیمار است میزان همچون شاخصی دقیق درجات بیماری‌های فوق را نشان می‌دهد از این رو می‌توان این پدیده را شاخص نماز خواند، زیرا نشان عینی و ملموس و قابل اندازه‌گیری از عناصری اغلب کیفی و درونی لیکن به هم پیوسته است<sup>(۷)</sup> و جامعه ایران در سال‌های اخیر شاهد افزایش آمار طلاق بوده است.<sup>(۸)</sup>

**بخش ششم: عوارض طلاق توافقی برای زوجین و فرزندان**

روال آسان و مسیر هموار طلاق توافقی منجر شده تا زوجین با کوچکترین اختلاف و اختلاف سلیقه به زندگی مشترک خود پایان دهند. آنها بدون اینکه به فکر تقویت مهارت های زندگی در خود باشند به دنبال جدایی و متارکه می‌روند. در اغلب مواقع نیز از این عمل سرسری و عجولانه پشیمان می‌شوند. همین موضوع زن و مرد را در معرض اختلال و آسیب‌های روحی قرار می‌دهد. حسّ عذاب وجدان افسردگی و بدبینی در آنها ایجاد می‌شود و شانس ورود به زندگی جدید را از آنها می‌گیرد. این در حالی است که در طلاق های عادی که زمان بسیار مهم است دخالت خانواده ها و میانجیگری آنان منجر به فروکش کردن خشم و کنترل احساسات منفی زوجین می‌شود و این امر به آنان فرصت دوباره ای برای تامل در اختلافات می دهد. عوارض طلاق توافقی در فرزندان با رده سنی مختلف متفاوت است اما در هر صورت تاثیرات منفی خود را دارد. اگر تصور می‌کنید با جدایی از همسرتان فرزند خود را از جنگ و نزاع خانوادگی نجات داده اید سخت در اشتباهید. اگرچه قرار نگرفتن فرزندان در این شرایط موجب کنترل برخی اختلالات درونی روی می‌گردد، اما اساساً طلاق والدین گزینه خوبی برای کودکان نیست. آنها در پس جدایی شما احساس نامنی می‌کنند و از داشتن یک خانواده سالم و کامل محروم می‌مانند. همواره به خاطر داشته باشید که فرزندان، از عدم حضور یک باره یکی از والدین خود می‌ترسند. آنها از تنها ماندن و ترک شدن توسط والدین هراس دارند، در این شرایط بروز اختلالاتی نظیر افسردگی و سرخوردگی دور از ذهن نیست. (۹)

#### بخش هفتم: مضرات طلاق توافقی در جامعه

طلاق به هر شکلی که رخ دهد، خواه درست یا نادرست، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مختلفی ایجاد می‌کند اما بیشترین آسیب‌ها متوجه زوجین و به خصوص زنان است. جدایی زن و شوهر اگر به صورت پنهانی و دور از چشم خانواده رخ دهد احتمال طرد شدن از سوی خانواده‌ها را نیز همراه دارد. در بهترین حالت، اجتماع به اینگونه خانواده‌ها ترحم می‌کند. اما این زندگی ناقص که به دو نیمه تقسیم شده در اغلب مواقع نمی‌تواند تامین کننده خوشبختی و آرامش افراد شود. فساد اخلاقی برخی از زوجینی که طلاق گرفته اند، بی‌قراری و فرار آنها از مسئولیت‌های اجتماعی و فردی اثرات منفی غیر مستقیم خود را بر جامعه خواهد گذاشت. ارضا نشدن نیازهای جنسی آنها نیز از جمله پیامدهایی است که

جامعه را درگیر می‌سازد. در کنار این، اعتیاد و ولگردی زوجین و یا فرزندانشان و بحران‌های اقتصادی و مالی نیز جامعه را تهدید می‌کند. ذکر این موارد بدین معنا نیست که شما حتماً به آنها دچار می‌شوید. آنچه که گفته شد بر اساس اتفاقات و واقعیت‌هایی است که طلاق در جامعه امروز رقم زده است. فرشته روح افزا معاون شورای فرهنگی زنان کشور از روند آسان طلاق‌های توافقی در دادگاه‌ها انتقاد می‌کند. وی اضافه می‌کند برای طلاق توافقی زوجین حتی در یک روز هم می‌توانند با یک مرخصی ساعتی از هم طلاق بگیرند. حال آنکه آسان شدن طلاق‌های توافقی موضوع مهم و خطرناکی است که نمایندگان مجلس و مسئولان باید فکری برای آن کنند. وی با بیان اینکه در این روش آسان، زشتی و بدی طلاق توافقی به چشم نمی‌آید و این کار به صورت یک امر عادی در جامعه مطرح می‌شود که آسیب‌های زیادی به بار می‌آورد؛ تأکید می‌کند: آمار نشان می‌دهد در میان طلاق‌های صورت گرفته در کشور، آمار طلاق‌های توافقی بالاترین است که یک خطر بزرگ برای جامعه به حساب می‌آید. (۱۰)

### بخش هشتم: فواید طلاق توافقی

جدایی‌ها هیچگاه فایده صددرصدی برای افراد ندارد. زیرا آسیب‌ها و بحران‌های بعد از طلاق مانند افسردگی بعد از طلاق، کم و بیش وجود دارد با این حال گاه زن و مرد در شرایطی قرار می‌گیرند که جدایشان بهتر از با هم ماندنشان است. زمانی که زوجین به دلایل موجه و قابل قبول برای جدایی توافق می‌کنند در برخی مسائل مزایایی برای ایشان وجود دارد در این صورت لازم است نسبت به برخی موضوعات به یک توافق جدی برسند و پس از جدایی نیز نسبت به آن متعهد باشند. با سازش در برخی موارد مانند موارد زیر مسیر جدایی ساده‌تر پیموده می‌شود.

مسئولیت حضانت فرزندان با چه کسی خواهد بود؟

میزان پشتیبانی از کودکان و مدت زمان آن از سوی والدین چقدر خواهد بود؟

میزان و مدت پرداخت نفقه تعیین شود.

بدهی‌ها و اموال مشترک تقسیم بندی شود

مزایای طلاق توافقی را در چند مورد می‌توان خلاصه نمود:

۱- از تشکیل پرونده‌های مختلف در دادگستری جلوگیری می‌شود.



- ۲- نیازی به رجوع مکرر زوجین به محل دادگستری نخواهد بود.
- ۳- کوتاه بودن زمان صدور گواهی اجرای طلاق یا به عبارت دیگر طلاق فوری
- ۴- مدت دار بودن گواهی طلاق برای سه ماه.
- ۵- درگیری و تنش کمتر میان زوجین
- ۶- کاهش استرس فرزندان و دور ماندن آنها از محیط های تنش زا (نسبت به طلاق های رایج و دیگر طلاق ها)
- ۷- مدیریت زندگی بعد از طلاق بهتر خواهد بود.
- ۸- یکی از روش های طلاق دادن زن بدون مهریه است.

### نتیجه گیری

این مقاله نگرشی بسیار مختصر به طلاق توافقی به زبانی بسیار ساده بیان کرد. تغییر سبک زندگی امروزه و گرایش به طلاق های توافقی علل و عوامل بسیار زیادی در این مسئله دخیل می باشد. در سالهای اخیر آمار طلاق در کشور افزایش یافته است و طلاق توافقی نیز از وقایع نوپدید در حقوق خانواده امروزه است. فرار از سختی های زندگی در جوامع پیشرفته، عدم آگاهی از پیامدهای طلاق، تصمیم سریع و بی توجهی و بی مسئولیتی دو طرف و... در این امر دخیل می باشد.

### پیشنهاد

اگر دو طرف طلاق توافقی به دنبال دستاورد جدیدی در زندگی هستید قطعاً در حال انجام اشتباه هستند. هیچ فعالیت مخربی نمی تواند دستاورد مثبتی به همراه داشته باشد و طلاق توافقی با توجه به علت جدایی و متارکه زوجین فواید خاص خود را دارد اما قطعاً عوارضی نیز به همراه دارد. اگر در اثر خشم و عصبانیت تصمیم گرفته اید توصیه می شود به خودتان فرصت فکر کردن دهید تا از تصمیم خود پشیمان نشوید. زندگی دنیوی دارای سختی ها و مشکلات است چنان که خداوند در قرآن می فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (آیه ۴ سوره بلد) به راستی که انسان را در رنج آفریدیم. حتی اولیای الهی هم از این رنج در امان نیستند در چنین شرایطی داروی آرامبخش گرچه تلخ اما اثر بخش صبر می باشد. در کل روشی که قرآن کریم بیان می کند در ارتباط با مشکلات خانوادگی یا به شایستگی و احترام زندگی کردن در کنار هم یا به شایستگی و احترام مثل جدا شدن و

هیچ راه سومی توصیه نشده است. در کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود چیزی نیست که خداوند حلال کرده باشد و به اندازه طلاق در نزد او مقبوض باشد و خداوند دشمن می دارد کسانی را که زود طلاق می دهند و زود ازدواج می کنند. رسول خدا (ص) نیز در این رابطه فرموده است که تزویج کنید و به همسری درآورید! بدانید که از بهره مندی و خوشبختی انسان ازدواج کردن و دادن هزینه دامادی است و هیچ چیزی نزد خدای عزوجلّ محبوب تر از خانه ای نیست که در اسلام به وسیله ازدواج آباد شود و هیچ چیز نزد خدای عزوجلّ مغبوض تر از خانه ای نیست که در اسلام به وسیله طلاق، ویران شود.



## منابع و مأخذ

قران کریم

- ۱- ماهیت و آثار طلاق توافقی در فقه و حقوق الهام شریعتی - سیده فائزه صفدرزاده. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده / دوره ۲۰ / شماره ۷۸ / زمستان ۹۶ / صفحه ۸۹ - ۱۰۶
- ۲- عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی (شهرستان کرمانشاه، علیرضا قاسمی - باقر ساروخانی)
- ۳- مقاله عوامل تعیین کننده گرایش به طلاق توافقی، طیبه بلوردی، زهیر مصطفی بلوردی، محمود آفاجانی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت
- ۴- ماهیت و آثار طلاق توافقی در فقه و حقوق، الهام شریعتی، سیده فائزه صفدرزاده.
- ۵- ساروخانی باقر، (۱۳۷۶). طلاق، پژوهش در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- محبی سید فاطمه، (۱۳۹۱). تبیین جامعه شناسی طلاق کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده، ص (۹۶۱-۹۸۴) تهران: پیام عدالت
- ۷- ساروخانی باقر، (۱۳۷۶) طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. تهران: دانشگاه تهران
- ۸- فراتحلیل پژوهش‌های طلاق در ایران در دو دهه اخیر (۱۳۷۷-۱۳۹۷) و ارائه راهکارهای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن برای زنان و فرزندان، شهره روشنی، مریم تافته، زهره خسروی.
- ۹- تحریرها مشاور، مشاوره طلاق. ۲۷ - ۵ - ۱۳۹۹.
- ۱۰- روانشناسی، دکتر سلام. [www.hidoctor.ir](http://www.hidoctor.ir)
- ۱۱- تحریری ها مشاوره مشاوره طلاق ۲۷-۵-۱۳۹۹.
- ۱۲- مرکز مشاوره مکث - روان شناسی.
- ۱۳- مرکز مشاوره مکث
- ۱۴- کافی (کلینی)